



# مقابله به مثل از نظر عقلاء عالم و کتب آسمانی

آیه الله بنی فضل

## مقدمه بحث

در جنگ تحمیلی ایران با عراق بارها عراق به مناطق مسکونی و غیر نظامی ایران حمله و تجاوز نموده و از ابتدای جنگ تا به حال چندین شهر قهرمان از جمله: دزفول، اهواز، آبادان، اندیمشک، باختران و... علاوه بر بمباران هوایی، مورد اصابت صدها موشک قرار گرفته و هزاران غیرنظامی از کودک، پیر و جوان را به خاک و خون کشیده است. و با اینکه امت مقاوم و شهیدپرور ایران در مقابل آن همه تجاوزات عراق، در اجتماعات میلیونی خصوصاً در نمازهای جمعه از مسئولین جمهوری اسلامی با این عبارت «موشک جواب موشک» تقاضای مقابله به مثل را نموده اند، آیا مسئولین محترم جمهوری اسلامی تا امروز مقابله به مثل نموده اند؟ مسئولین و رزمندگان اسلام با اینکه قدرت و توانائی مقابله به مثل بلکه بالاتر از آن را دارند، اما رأفت و رحمت جمهوری اسلامی، اینان را مانع از تلافی شده است. در اینجا مقتضی است به چند نکته به طور اختصار اشاره کنیم:

## نکته اول - توطئه حمله هوایی به

ایران

اخیراً با یک توطئه حساب شده، عراق جهت وادار نمودن ایران به صلح و سازش، حمله هوایی به شهرهای ایران را تشدید و غالباً مناطق مستضعف نشین (مانند حلبی آباد و خزانه در جنوب تهران و خانه های شصت یا هفتاد متری محله یوسف آباد واقع در دامنه کوه عینعلی در تبریز) را بمباران کرده تا سروصدای مردم علیه جنگ بلند شود ولی مردم همان محله های بمباران شده در حالی که شهدای خود را از زیر آوارها بیرون می کشیدند، فریاد می زدند: «جنگ، جنگ تا پیروزی» و مجروحین همان بمباران ها در حالی که عزیزان خود را از دست داده بودند، در بیمارستان به خبرنگاران اظهار می نمودند که صدام توان مقابله با رزمندگان شجاع اسلام در جبهه ها را ندارد، و لذا ما را بمباران می کند ولی بداند که با این جنایتهای وحشیانه نمی تواند صلح را بر ما تحمیل بکند.

بهترین شاهد براینکه حمله هوایی

اخیر عراق به شهرها و مناطق مسکونی غیر نظامی، توطئه ای حساب شده در رابطه با صلح تحمیلی بود، این است که همزمان با حمله هوایی عراق و مطرح نمودن صلح از طرف مبارک، شاه حسین، شیخ مزدور منطقه، پاریس نشین، آمریکا و... چند نفری از گروه های محارب معلوم الحال به عنوان طرفداری از صلح و خاتمه جنگ در تهران، ظاهر و با خشم جوانان حزب الله - که نمونه آن ها در نماز جمعه تهران دیده می شوند - روبرو و دستگیر و به مقامات ذی صلاح تحویل داده شدند.

## نکته دوم - دستور الهی مقابله به مثل

در قرآن مجید و همچنین سایر کتابهای آسمانی مثل تورات و انجیل، از سوی خداوند سبحان به طور قانونی، امر و دستور مقابله به مثل صادر شده که هر کس یا جماعتی در هر شرایطی و رتبه و مقامی باشند، اگر به دیگری تعدی و تجاوز کنند، بر شخص تجاوز شده جایز است بهمان نحوی که به او تجاوز شده، تلافی و مجازات نماید ولو اینکه مجازات



متجاوز و مقابله به مثل در مکانهای مقدسی مانند حرم کعبه و مسجد الحرام و یا در زمانهای مخصوصی مثل ماههای حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم) که احترام خاصی دارند و جنگ و خونریزی ابتداء در آنها حرام و گناه کبیره است باشد.

**مشروعیت مقابله به مثل از نظر قرآن**  
اکنون می پردازیم به آیاتی چند از قرآن مجید که صراحت در مشروعیت مقابله به مثل دارند:

۱- آیه ۱۹۴ - سوره بقره می فرماید:  
«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ فِیْضَاصٌ فَمَنْ عْتَدَى عَلَیْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ یَمْثِلْ مَا عْتَدَى عَلَیْكُمْ».

مشرکین عرب وقتی که فهمیدند قتال و خونریزی در ماه های حرام، از نظر اسلام جایز نیست، تصمیم گرفتند که در همان ماه ها جنگ کنند تا مسلمانان و طرفداران پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را از بین ببرند و در سال ششم از هجرت، پیامبر اکرم بنا یک هزار و چهار صد نفر از مسلمانان عازم زیارت بیت الله الحرام بودند و در حدیبیه - نزدیکی مکه - نازل شدند.

مشرکین مانع از زیارت و حج مسلمین گشتند و به سوی آنان سنگ و تیر انداختند. رسول خدا صلی الله علیه وآله با مسلمانان به مدینه مراجعت کردند و در سال هفتم هجرت که پیامبر «ص» با مسلمین عازم زیارت خانه خدا بودند، در حالی که از یکطرف خائف بودند که مشرکین باز هم منع و جلوگیری نموده و جنگ راه بیندازند و از طرفی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از جنگ در ماه های حرام کراهت داشتند، در آن هنگام آیه فوق نازل شد که می فرماید:  
«اگر مشرکین احترام ماه حرام را مراعات نکردند و اقدام به جنگ نمودند، شما مسلمین هم به جنگ بپردازید، و

همچنین اگر حرمت مکانهای مقدس را ملاحظه نمودند، آنان را قصاص نمایند؛ پس هر کس - چه در جنگ و چه در خصوصتهای شخصی - به شما تجاوز کند، به همان نحوی که به شما تجاوز شده با آنان مقابله به مثل نمایند».

۲- آیه ۱۲۶ سوره نحل می فرماید:  
«وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ»  
قصاص و مقابله به مثل کنید به همان مقداری که به شما عقوبت وارد شده.

۳- آیه ۳۹ - سوره شوری می فرماید:  
«وَالَّذِیْنَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْیُ هُمْ یَنْتَصِرُونَ»  
کسانی که ظلم به آنها برسد، حق انتقام گرفتن را دارند.

۴- آیه ۴۱ و ۴۲ سوره شوری:  
«وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَیْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَیَسْتَدُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ، أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ».

عقوبت و مجازات بر مظلومی که انتقام بگیرد از ظالم، راه ندارد و عقوبت و مذقت باید متوجه کسانی باشد که بر مردم ظلم روا می دارند و روی زمین بنا حق فساد می کنند. بر ظالمین باد عذابی پردرد.

۵- آیه ۴۰ - سوره شوری:  
«وَجَزَاءُ سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِثْلِهَا»  
بدی به اندازه و مثل همان بدی است.

۶- مخفی نماند اینکه کلمه «اعتداء، عقوبه و سیه» در مورد مقابله به مثل به طور مجاز و مشاکله استعمال شده و حقیقت مقابله به مثل همانا مجازات و قصاص متعدی و ظالم است که حیات و زندگی انسان ها در جوامع بشری بستگی به اجراء قوانین قصاص دارد. در آیه ۱۷۹ سوره بقره می فرماید:

«وَلَكُمْ فِی الْفِیْضَاصِ حَبِیْوةٌ بِأُولَی الْأَلْبَابِ» ای صاحبان خرد، در قصاص برای شما زندگی و حیات تأمین شده

است. آری! کسانی که قصد آدم کشی و ظلم را داشته باشند، هرگاه قانون و اجراء قصاص را به یاد می آورند، از تعدی و تجاوز خودداری نموده، خود و دیگران به حیات و زندگی ادامه می دهند.

**حکم قصاص در سایر کتابهای آسمانی**

در تورات و انجیل نیز به مقابله به مثل و قصاص دستور صادر شده است: در آیه ۴۵ سوره مائده می فرماید:

«وَكُنْتُمْ عَلَیْهِمْ فِیْهَا أَنْ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعِیْنُ بِالْعِیْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحُ فِیْضَاصٌ» در تورات به طور قانون، ثابت و لازم نمودیم بر یهود که مجازات آدم کش، کشتن او است و چشم در مقابل چشم، بینی در مقابل بینی، گوش در مقابل گوش، دندان در مقابل دندان و زخمها بهر نوعی که باشد، قصاص می شود.

و در آیه ۴۶ از سوره مائده می فرماید:  
«وَقَفَّیْنَا عَلَیْ أَنْبَارِهِمْ بِعِیْسَى بْنِ مَرْیَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» انجیلیان را تابع آثار و احکام تورات قرار دادیم.

پس مقابله به مثل یک قانون مسلم در تمام ادیان و مورد قبول عقلای عالم و موافق حکم عقل است و همه انبیاء عظام و ائمه معصومین علیهم السلام و رهبران راستین در برابر قلدربها و تعدی و تجاوز زورگویان ایستادند و قاتلانشانند به مقابله به مثل پرداختند. آیا تا به حال مسئولین محترم جمهوری اسلامی در برابر صدها موشک، راکت و بمبارانهای مناطق مسکونی غیر نظامی و استفاده از سلاحهای شیمیایی و سستی از طرف یزید زمان صدام خون آشام، کی و کجا به مقابله به مثل پرداخته اند؟ جز اینکه به عنوان تنبیه متجاوز، آن هم با اطلاع و اعلام قبلی و بیشتر با هدف فرار دادن مناطق نظامی و اقتصادی دشمن کافر بوسیله چند موشک (ساخت جمهوری اسلامی ایران) بغداد را بلرزه درآورده، اربابان صدام را به وحشت انداخته، اتباع خارجی را از بغداد و بصره فرار داده و دیر



کل سازمان ملل را به ایران و عراق روانه کرده است.

**نکته سوم - صلح و سازش بین طرفین درگیر**

صلح و سازش بین طرفین جنگ، در صورتی است که افراط در هر دو طرف باشد. در این صورت عده‌ای از انسانهای بی غرض و صالح به عنوان داور، به دعوی طرفین رسیدگی و فصل خصومت می نمایند.

«وان طائفتان من المؤمنین اقتلوا فأصلحوا بينهما» (سوره حجرات - آیه ۹) - اگر دو گروه از مؤمنین جنگ کنند، بین آنان صلح برقرار سازید. و اما در صورتی که یکی از طرفین، متجاوز و ظالم و طرف دیگر، مظلوم و در مقام دفاع باشد، صلح معنی و مفهومی ندارد و بر همه انسانها لازم است بقدر امکان از مظلوم حمایت و ظالم را مجازات نمایند و سرجایش نشانند.

«فإن بغت احدىهما على الأخرى فقاتلوا التي تبغي حتى نفيء الى امرالله فإن فانت فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا ان الله يحب المقسطين» اگر یکی از دو طائفه به دیگری ستم کند، با ستمگر بجنگید تا به امر خداوند رجوع بکند و از ظلم دست بردارد، وقتی که به امر خدا رجوع کرد و از ظلم خود دست برداشت، بین آنان عادلانه صلح برقرار سازید.

مراعات عدالت به این است که ظالم ضرر مالی و جانی را که بر مظلوم وارد کرده، هرچقدر هم میلیاردها دلار باشد، باید به مظلوم بپردازد تا صلح عادلانه بین دو طائفه برقرار باشد. البته لازم به تذکر است که صلح عادلانه تنها با پرداختن خسارت حاصل نمی شود، بلکه مهمتر از آن، مجازات ظالم است. و این یکی از موادی است که از طرف مسئولین جمهوری اسلامی از ابتداء جنگ

تحمیلی در رابطه با صلح به مجامع بین المللی پیشنهاد شده و این همان منطلق قرآن کریم است که موافق با حکم عقل و عقلای عالم می باشد.

**نکته چهارم - صلح از نظر فقهای اسلام**

به طور کلی در جنگ اسلام با کفر، اگر دشمنان اسلام از مسلمین امان بخواهند یا تقاضای آتش بس و صلح بنمایند، در صورتی جایز است به دشمن امان داده شود یا آتش بس پذیرفته شود که به نفع اسلام و مسلمین باشد. به طور اختصار اشاره‌ای به عبارات فقهای بزرگ اسلام می کنیم:

علامه حلی: «وانما یصح الأمان مع المصلحة و شرط انتفاء المفسدة فلوامن من فیه مضرة لم یعتقد» (توابع علامه حلی ص ۱۱۰)

امان دادن بر دشمن در صورتی صحیح است که مصلحتی برای مسلمین داشته باشد و مفسده‌ای در آن نباشد، پس امان دادن به دشمنی که زیان دارد و (مفسد است) صحیح نیست.

علامه حلی: «انما یجوز عقد الامان مع اعتبار المصلحة» (متهی علامه ص ۹۱)

امان دادن بر دشمن فقط در صورتی صحیح است که به مصلحت مسلمین باشد.

محقق حلی: «المهادنة وهي المعاهدة على ترك الحرب مدة معينة وهي جائزة اذا تضمنت مصلحة للمسلمين» (شرايع محقق ص ۸۲).

آتش بس که به معنای قرارداد برای ترک جنگ به مدت معینی می باشد، در صورتی جایز است که مصلحتی برای مسلمانان در آن باشد.

صاحب جواهر: «بل لا یبعد الجواز مع المصلحة للاسلام والمسلمين ايضاً»

(جواهر ج ۲۱ ص ۲۹۳) بعید نیست آتش بس جایز باشد در صورتی که به صلاح اسلام و مسلمین باشد. و قریب همین مضمون در مبسوط شیخ طوسی و تذکرة الفقهاء و سایر کتب معتبره ذکر شده.

**مقابله به مثل از نظر فقهای اسلام**

اگر چنانچه در جنگ اسلام با کفر، مصلحت اسلام و مسلمین اقتضاء نماید، لازم است کشتن اطفال و زنان و پیرمردان حتی مسلمانانی را که در اسارت دشمن هستند.

علامه حلی: «لوتترس الکفار بسانهم و صبیانهم فإن کان الحرب ملتحمة، جاز قتالهم ولا یقصد قتل الصبي والمرأة بل قتل من خلفهم ولا یکتف عنهم لأجل الترس لما رواه الشيخ عن حفص بن غیاث عن ابي عبد الله علیه السلام: هل یجوز ان یرسل علیهم الماء او یحرقون بالنار او یرمون بالمعجنجیق حتی یقتلوا و فیهم النساء و الصبیان و الشیخ الکبیر و الأساری من المسلمین و التجار؟ قال: یفعل ذلك بهم ولا یسکت عنهم لهؤلاء و ولادیه علیهم ولا کفارة» (متهی علامه حلی جلد ۲ ص ۹۱۰)

اگر کفار در حال جنگ، زنان و کودکان خود را جلوسنگرهایشان سپر قرار دهند، جایز است ادامه جنگ ولی مسلمانان قصد کشتن کودکان و زنان را نکنند بلکه کشتن دشمنی را قصد کنند که در پشت سر زنان و کودکان قرار گرفته اند و به خاطر کودکان و زنان از کشتن دشمن خودداری ننمایند گرچه متعجب به کشته شدن زنان و کودکان شود. مدرک و دلیل این حکم الهی، روایتی است که شیخ طوسی (در مجلد دوم کتاب تهذیب صفحه ۴۸ چاپ قدیم) از حفص بن غیاث روایت کرده که او از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود:



آیا جایز است آب و آتش را بر آنان مسلط کرد یا با منجنیق سنگ و گلوله انداخت تا کشته شوند، در حالی که بین آنان زنان، کودکان، پیرمردان، اسرای مسلمین و تجار وجود دارند؟ حضرت در پاسخ فرمود:

دشمنان اسلام را باید کشت و به خاطر اشخاص مذکور، نباید از کشتن دشمنان خودداری شود و بر قاتل دبه و کفاره‌ای واجب نمی‌شود.

در کتب بسیاری از فقهای عظام فتوی داده شده که تخریب و از بین بردن تأسیسات اقتصادی دشمن جایز است، در صورتی که غلبه بر دشمن موقوف بر تخریب باشد.

علامه حلی: «بجوز تخریب حصونهم و بیوتهم اذا غلب علی ظنه الحاجة بذلك» (منتهی ملامه ج ۲ ص ۱۰۹) جایز است ویران کردن دژها و خانه‌های دشمنان اسلام در صورتی که نیاز به آن کار باشد.

محقق حلی: «و يجوز هدم الحصون والبيوت وكل ما يرجى به الفتح» (شرایع ص ۷۷) جایز است ویران ساختن قلعه‌ها و خانه‌های دشمن و همچنین جایز است هر کاری که در آن امید پیروزی باشد.

صاحب جواهر: «و يجوز هدم الحصون والبيوت وقطع الاشجار وكلما يرجى به الفتح بلا خلاف أجده فيه» (جواهر الکلام ج ۲۱) جایز است از بین بردن حصن‌ها و خانه‌ها و بریدن درختها و هر چیزی که در آن امید فتح باشد، و در این مسئله مخالفی پیدا نکرده‌ام.

علامه حلی: «بجوز المحاربة بكل ما يرجى به الفتح ولا يضمن ما يتلف بذلك للمسلمين الذين بينهم» (توابع علامه ص ۱۰۳ و کتاب ریاض شرح کبیر بر مختصر نافع) جایز است جنگ با دشمن به هر وسیله‌ای که در آن امید پیروزی و غلبه باشد و اگر در این مورد به گروهی از مسلمین که در بین

دشمنان اسلام هستند، زبانی وارد آید، ضمان آور نیست.

مخفی نماند، آنچه در نکته چهارم ذکر کردیم، بیشتر مربوط به جنگ با دشمنان اسلام است، اما در دفاع، مطلب خیلی مهمتر و بالاتر از این حرفها است و جنگ ایران با حزب کافر عراق در واقع، دفاع است و حقیقت آن حمایت از اسلام می‌باشد و دفاع بر همه و همه (زن، مرد، پیر، جوان، بیمار و تندرست و ... ) واجب و لازم است.

### وجوب دفاع بی قید و شرط

صاحب جواهر: «الثاني ان يدهم المسلمین عدو من الكفار يخشى منه علی البيضة او يريد الاستيلاء علی بلادهم واسرهم وسبيهم واخذ اموالهم وهذا واجب علی الحر والعبد والذکر والانثی والسليم والمريض والاعمى والاعمى وغيرهم ان احتلج اليهم ولا يتوقف علی حضور الامام عليه السلام ولا اذنه ولا يختص بعن قصده من المسلمین بل يجب علی من علم بالحال النهوض اذا لم يعلم قدرة المقصودین علی المقاومة وبتأكد الوجوب علی الأقرین فالأقرین» (جواهر ج ۲۱ ص ۱۸) قسم دوم از جهاد همانا دفاع است و آن در صورتی است که دشمن کافر (مثل حزب بعث کافر) بر مسلمین هجوم بیاورد که خوف بر بیضة اسلام باشد یا دشمن کافر اراده تسلط و استیلاء بر بلاد مسلمین نماید یا بخواهد آنان را اسیر و اموالشان را غارت کند (مگر صدام پلید خوزستان را قادسیه نمی‌دانست؟! و مگر پیش از ویرانی شهرهای ایران، اموال مردم را غارت نکرد و بسیاری از غیر نظامیان را به اسارت نبرد؟! ) دفاع واجب است بر تمام مسلمین: آزاد و برده، مرد و زن، سالم و مریض، کور و لنگ و غیر آنها، در صورتی که احتیاج به کمک آنان باشد

(ولو اینکه بر رفتن بر روی مین باشد). همانا دفاع مثل جهاد ابتدائی نیست که نیاز به حضور یا اذن امام معصوم علیه السلام داشته باشد. دفاع مخصوص کسانی نیست که مورد هجوم واقع شوند بلکه بر همه واجب است از کسانی که مورد هجوم دشمن قرار گرفته و قدرت مقاومت را ندارند، دفاع نمایند و بر کسانی که نزدیکتر هستند، دفاع از آنان واجب مؤکد است.

امام خمینی دام ظلّه: «لوعشی بلاد المسلمین او ثغورها عدو یخشی منه علی بیضة الاسلام ومجتمعهم يجب علیهم الدفاع عنها بآیة وسیلة ممکنة من بذل الأموال والنفوس. لا یشرط ذلك بحضور الإمام علیه السلام واذنه ولا اذن نائبه الخاص او العام فیجب الدفاع علی کل مکلف بآیة وسیلة بلا قید و شرط» (تحریر الوسیله ج ۱ ص ۱۸۵). اگر دشمن بر شهرها یا مرزهای مسلمین هجوم بیاورد و بیضه اسلام و مجتمع مسلمین در خطر باشد، بر مسلمانان واجب است به هر وسیله‌ای که ممکن باشد با گذشتن از مال و جان، دفاع نمایند و در وجوب دفاع، حضور امام علیه السلام و اذن آن بزرگوار یا اجازه نائب خاص و یا نائب عام ایشان (امام خمینی اطال الله بقاءه الشریف) شرط نیست بلکه بر هر مکلفی به هر وسیله‌ای که باشد، بدون هیچ قید و شرطی، دفاع واجب است.

در هر صورت، دفاع یک حق مسلم فطری است، حتی انسانهایی که به هیچ مسلک و شریعتی اعتقاد ندارند، دفاع را وظیفه وجدانی می‌دانند بلکه در حیوانات هم اصل دفاع، فطری و وسائل گوناگون دفاع در وجود آنها موجود است و در وقت ضرورت، از خود دفاع می‌نمایند.



آنچه در این مقاله ذکر کردیم، احکام اسلام و صریح آیات قرآن و مورد اتفاق علماء معروف اسلام است، ولی زمامداران نوکر مآب ممالک اسلامی وابسته به غرب و شرق، وقاحت و بی شرمی را به حدی رسانده اند که برای آنها ریگان هنر پیشه سابقه دار، بگین متخصص در جنایت، وزیر امور خارجه آمریکا و... احکام اسلام را تحلیل و استنباط می کنند، حتی سال گذشته بعد از آنکه در سرزمین وحی الهی و نزول قرآن (مکه و مدینه) حجاج اکثر ممالک اسلامی همصدا با حجاج حزب الله ایرانی، شعائر صور اسلام (اعلاء کلمه الله اکبر و جسم شرک و زندقه که هدف نهائی و تمام مقصود همه انبیاء بود) را با شعارهای «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» تجدید و احیاء نمودند؛ ریگان اسلام شناس گفت: اسلام آن است که فهد (شاه سعودی) می گوید نه آن که آیت الله خمینی می گوید!!!

پناه مسلمین و مستضعفین جهان، حضرت امام خمینی مدظله العالی با یک جمله کوتاه و کوبنده (من نمی دانم اینها کی می خواهند عروه الوثقی را حاشیه بزنند؟) تحلیل گران و اسلام شناسان مزبور را رسوا نموده تا شیاطین اظهار نظر در احکام اسلام و سرنوشت مسلمین نکنند. خداوندا سایه پر برکت حضرت امام را بر سر مسلمین و ملت های مستضعف مستدام بفرما.



عزتی هستیم از حساب عادی بیرون است. آنهائی که از اقامه شعائر الله به پخش اذان در رادیو قانع بودند و آنهائی که برای بقاء طاغوت در مسند سلطنت بدون حکومت!، و بقاء قوانین مشروطه دست و پا می زدند، که هم اکنون صلح جویند، درک عظمت این انقلاب و ثمراتش برایشان ممتنع است. عبدالله بن عمرها و ابوموسی اشعری ها را چه رسد که در مصالح عالی اسلام دخالت کنند مگر مسلمانان عزیز وصیت و سفارش رسول الله صلی الله علیه و له را فراموش کرده اند که فرمودند:

«اذا سمعتم صباح الديكة فسلوا الله تعالى من فضله فأثارات ملكاً واذا سمعتم نهيق الحمار فتمعدوا بالله من الشيطان فأثارات شيطاناً».

«وقتی که بانگ خروسها را شنیدید در همان هنگام از خداوند متعال فضل او را مسئلت کنید. زیرا خروس با دیدن فرشته شروع بیانگ و تکبیر کرده است، و وقتی که عرعرا الاغ را شنیدید پناه بخداوند متعال ببرید زیرا الاغ با دیدن شیطان عرعرا می کند» مردم ما تکبیرگوها و یادآوران حق تعالی را از عرعراها و اغفالگران خوب می شناسند.

فرم نقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک هفت پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه جدها شهاده قم وارز و قمش بانک را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر هفت پاسدار اسلام قم صندوق پستی ۳۳۰ ارسال فرمائید.

- تذکره: و مطالبات فرستید
- ۱- بهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دو سال ۱۲۰۰ ریال است.
  - ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانک های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.
  - ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته و وجه اشتراک را توسط اداره پست بیمه نمائید.
  - ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را شرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
  - ۵- در صورت واریز وجه به بانک حتماً پیش بانک ارسال شود.

اینجانب ..... نام خانوادگی .....  
 شهرستان ..... آدرس کامل .....

تاریخ ..... سال از شماره ..... پاسداری اسلام مشترک شروع لغا مبلغ ..... ریال توسط بانک ..... به حساب جاری فوق وارز و قمش بانک ..... به پست ارسال می دارم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید